

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۲۷ اپریل ۲۰۱۲

کابوس وحشتناک هفت و هشت ثور

باغرش تانکها و صدای هیبت ناک توپ آغاز و بعدش هم چند مک ۲۱ در فضا دیده شد. بلی، نقطه شروع بد بختی یک ملت! تجاوز به حریم مقدس سر زمین شہامت و ناموس داری مردم غیور و دلیر از همینجا آغاز شد. همه چیز در جهت منفی تر و شرم آفرین شروع به تغییر نمود و یک مشت مزدور سر افکنده و زبون وارد صحنه عمل شده و به همکاری چند بی وجدان خاین، وطن فروش، مزدور بیگانگان، غلام های خود فروخته رشد یافته در دامان "خرس قطبی" بر اریکه قدرت نشستند و وحشیانه و جنایتکارانه عمل نمودند.

آن چند مرتد خاین منحصیث ارگان اجرائی دولت خلقی با پشتوانه و هدایت مستقیم روسها شروع نمودند به زندان انداختن ها و کشتار بیر حمانه مردم ما. چند موجود طفیلی وابسته، پو شالی و هدایت گیر خویش را منحصیث نیرو های دولت متجسم و خلاف خواست و میل توده ها خود را بر مردم آزاده ما تحمیل داشتند! تا تأمین کننده منافع سو سیال امپر یالیسم جهانی باشند و آهسته آهسته همه چیز به سوی تغییر رفیقانه روسی شدن و روسی بودن شکل گرفت. این که روسان و نوکران شان نمی دانستند و یا فراموش نموده بودند که این ملت هرگز و هرگز آمادگی پذیرش غلامی و بردگی بیگانگان را در هیچ چوکات نداشته و ندارند پیامد های بدی برای شان به ارمان داشت و این ها که در قالب و چوکات (همبستگی بین المللی) احزاب برادر و ... با شکل و شمایل به ظاهر انسانی و مترقی وارد کارزار شده و با ماسک های قلابی انقلابی و انسانیت در جلو مردم ایستادند، بعد از زمانی متوجه شدند که موجودیت شان در این سر زمین نمی تواند پایدار باشد؟؟ و آنوقت یک کمی دیر شده بود؟؟

گردانندگان وحشی و پر روی این باند چپاولگر با دیده درائی خاصی از لباس، خانه و نان برای مردم صحبت داشتند؟ خود را نماینده مردم، پیشروان راه کارگر، مدافع حقوق دهقان معرفی نمودند؟ رهبران شان در چوکات شرف ظاهر و با بی شرفی هدایت دادند تا از قتل هیچ وطن پرستی در یغ ننمایند و همه آمکشان وحشی و جنون زده هر چه می توانستند دیگر اندیشان و فرزندان صدیق این وطن را به گلوله بستند، زندانها پر از فرزندان با شہامت این ملت گردید و عطش گلوئی پاره و خون گیر شان نشست. شروع به کشتار های دسته جمعی نمودند. و رشید ترین فرزندان پاکدل این مرزو بوم را دسته دسته به کشتار گاه ها بردند و سینه های پر آرمان شان را هدف

مرمی های زرادخانه روس قرار دادند و آرزو های انسانی و وجدانی شان را در رابطه محبت وطن و مردم در زیر خروار ها خاک مدفون ساختند. خانه های گلی مردم با تانگ و توپ و بم های ثقیل به خاک یکسان گردید. صد ها هزار قربان، میلیون ها انسان این مرز و بوم یتیم و آواره و به صد ها هزار دختران با شهامت بی پدر و بی شوهر گردیدند

بلی هموطن! همه به یاد داریم این همه مصیبت و بد بختی را یک گروه بی پدر و مادر، یک اقلیت غلام منش، یک تعداد بی وجدان، خاک و ناموس فروش به نام خلق و پرچم که خود را بر ملت قهرمان و جسور ما تحمیل نمودند ... آوردند..

بلی هموطن! این دزدان بی شعور همان کثافت خورها و لاشه های متعفن پرورده دست بیگانگان یعنی همان خلقی ها و پرچمی ها بودند؟؟ این کاذبین بی ننگ و عار با غرور حیوانی و وحشت جنایت پیشگان پیشینه هر خرابی را که توان داشتند انجام دادند. هر توطئه ای را در مقابل جوانان ما چیدند و هر چه میوه رسیده باغ های مردانگی، شهامت و فداکاری دیدند و شناختند با مرمی ریختانند. سینه ها را دریدند. مال مردم را به چپاول بردند. ناموس کس مصون نبود و در نهایت مردم مظلوم و ستم دیده ما آنچنان دوره ای را گذشتانند که مثالش در تاریخ کمتر اتفاق افتاده بود. هر خلقی و پرچمی حیثیت، خالد بن ولید، سعد بن وقاص، حجاج، قطیبه و سایر فر ماندهان خون آشام اسلامی را داشت، که از هیچ نوع ظلم و شکنجه و کشتار بر فرزندان این سرزمین دریغ نکردند، فرزندان رشید این خاک تشخیص دادند کی آمده و چه خواهد نمود؟ و کم کمک در گروه های چند نفری و کوچک خود را متشکل و با اسلحه و قربان شدن جانهای شیرین شان از خاک و مردم خود به دفاع برخاستند!! و این وضع دوام داشت تا این که در جریان این دوران سیاه چند بی و سر و پای دیگر از قماش همین مردم با ریش مگر کله ای خالی از احساس انسانی از تنبان استخبارات پاکستان و تفاله آیت الله های ایرانی خود مختار و سرکش و وحشی با اندوخته های مادی از امریکا، عربستان، انگلستان و کشور های عربی خلیج جلوه کنان با شمشیر های خون آلود سر کشیده و ظاهر شدند و با ادغام نیرو های دست داشته با بقایای نوکران روسی در جبهات خاص و احترام متقابل جهادی ها با پیشتازی شورای نظار با سوابق تاریخی خیانت های هر دو جناح و بستگی انکار ناپذیر تاریخی شان با روسها با رسیدن به شهر ها و دهات سر بریدن ها آغاز شد. و دولت برادران اسلامی با همکاری مستقیم نظامی و سیاسی رفقای خلقی نسج گرفت.

و این ملت بیچاره با وجود زخم های دیرینه دو باره زخم مهلک و کشنده تری بر داشتند و اینبار زخم ها "رفیقانه" نبود. در زیر لفافه انسانیت و حقوق انسانی نبود زخم اسلامی بود؟؟ بلی اسلام هجوم آورد. غلامان شیوخ عرب، بیچارگان و جیره خواران استعمار عربی تاختند. به نام اسلام و در راه اسلام هر نوع تجاوزی را حلال شمردند؟ هر گروه به پیروی از اسلام نوع خود شان الله اکبر گویان سر ها را از بدن ها جدا کردند؟؟ خانه ها چور و تاراج شد. نوامیس مردم بر باد رفت. هر گروهی اسلام نوع خود شان را بر تر از دیگران می دانستند و با هر کسی جز گروه خود شان (جهاد) می کردند.

بعد از کمی مدت پرچمی ها و خلقی ریش کشیدند. صاحب تسبیح و چین شدند و بعضی شان هم به امامت چند مسجد کله جنبانیده و خطبه های اسلامی جای کار، لباس و نان را گرفت و آن ها هم در ردیف برادران اسلامی از گر بیان وحشت عربی سر در آوردند.

به خانه های مردم شبانه و روزانه با زور داخل شده مردان و جوانان شان را "ذبح شرعی" می نمودند. بردختران و زن های شان تجاوز و بعداً با خود می بردند ... عجیب نبود .. فرهنگ این عرب زده های مسلمان همان هدایات

قرآن در کشتن دگران به نام جهاد عملی می شد و گرگ های وحشی رها شده از زندان های ممالک دیگر آن ها را همراهی می نمودند و این وحشی ها و غلامان اعراب به خاطر این که نشان دهند وحشی تر و جنایت پیشه تر از اعراب در خونخواری و بی ناموسی هستند چنان بر ناموس و شرف مردم ما تاخند که تاراج دوره اموی ها و عباسی های اسلامی بر وطن ما در مقابل اعمال شان رنگ باخته تر جلوه نمود ... این دو گروه یعنی خلقی ها و پرچمی ها با تنظیم های هفت گانه پشاور و سیزده گانه ساخت ایران گرچه تر کیب ظاهری آن ها نا متجانس معلوم می شد اما همه از یک قماش بوده و وجوه مشترک شان در تاراج، چپاول، ستمگری، بی ناموسی، جنایت و سر بریدن ها که نشاندهنده اصلیت شان بوده و اتحاد مشترک و همکاری های مجدد و برادرانه شان در چوکات مزدور اجنبی ها یعنی کرزی شاهد ادعا می تواند باشد.

انگلیس، پاکستان، امریکا برای نگهداشت پنجه های شوم استعماری خود در گلوی مردم ما و منطقه وارد نیرنگ دیگری شده و محصولات تولیدی فابریکه اسلام سازی و ترور و آدمکشی را وارد صحنه سیاسی و نظامی کشور ساخته و با همکاری عملی جنرال های پاکستانی و تخم های گندیده ای ای اس آی شروع به تاراج باقی مانده هستی ملی ما نمودند... جانوران بی شاخ و دمی به نام طالب بیرون شده از فابریکه ای اس آی. اسباب های کوکی و رهبری شده دست استعمار بودند و همان اعمالی را انجام دادند که آتیلا، چنگیز، علاءالدین جهانسوز و... از انجامش شرم داشتند. ولی این طالبان کرام مثل سگهای زخمی پاکستانی هر خیانت، هر جنایت و هر ویرانکاری و بیناموسی در حق ملت ما و کشور ما را افتخارانه و اسلامانه انجام داده و در تطبیق شریعت ناب محمدی قدم گذاشتند. بلی هموطن! همه به یاد داریم، دیدیم و شنیدیم، در آنوقت "رفقای" پرچمی و خلقی با "برادران" اسلامی مثل امروز یکجا بودند باهم اختلافی نداشتند؟ با هم دوست، رفیق و برادر بودند؟ کی را می زدند؟؟ دگر اندیشان و نوجوانان با معرفت این کشور را؟؟ بلی به زعم آن ها باید این نسل را نسل آگاه و پیشناز جامعه را از روی زمین بر می داشتند تا با نبود آنها پرده ای از جهالت اسلام و بی وجدانی خلقی و پرچمی بر روی این کشور افکنده و جلو پیشرفت عقلانی نسل پیشرو در تاریکی و سیاهی گرفته شود.

حال که آقای کرزی منحیث سمبول غلامی بسته در صد ها زنجیر بردگی در صدر دولت عجیب و غریبی نشسته، همه آن اجنبی پرستان و خوش خدمتان در خدمت باداران شان متشکل، هم نوا، بدون اختلاف اساسی نسبت عدم موجودیت مقاومت ملی سرتاسری و منسجم عناصر وطنپرست حیات به سر می برند و ما و شما همه می بینیم که باداران شان و همه قدرت مندان جهان همه به این مرزو بوم تجاوز نموده اند و روز به روز هم سعی در ریشه دوآیندن پنجه های خونین در رگ و ریشه اجتماع ما دارند. کمی باید دقیق و سنجیده همه را تحلیل و ارزیابی نموده و در جست و جوی راه اساسی بیرون رفت از این معضله باشیم، بی توجهی ماست وگر نه هر خس و خاشاکی نمی توانست چنین مصیبت های را بر ما تحمیل کند. ما را بیچاره تر سازد؟ مسؤول عمل کرد و تسلط بیگانگان من و تو هستیم؟

اگر من و تو موقف و ارزش انسانی و اجتماعی خود را متوجه شده و دست به دست هم داده و تشکیل مشت قوی و دهن شکن می دادیم، اگر من و تو در آتش نفاق نمی سوختیم، اگر خود را درک می کردیم و با هم نزدیک شده احساس مشترک از درد مشترک می داشتیم، هر سقله و بیگانه پرور نمی توانست ما را به این روز و حال مبتلا سازد.... حال تجر به ها را جمع بندی باید نمود، خصلت پذیرش همدیگر را در خود به وجود آورد، با هم بسیج و متحد باید شد و در سنگر مبارزه بی امان در مقابل هر وطن فروش و بی وجدان، شانه به شانه به پیش باید رفت تا این همه زباله خوران عرب و دیگر بیگانگان را نابود و خود حاکم به تعیین سر نوشت خود شویم. هنوز هم دیر

نشده، می توان خود را نجات داد و این ملت را از چنگال این دون صفتان رهانید. فقط به خود آی؟
این یک کابوس وحشتناکی بود که گذشت ! با همت و مردانگی خود نگذار این کار تکرار شود ؟ بگذار هموطن
من و تو، مادر من و تو، خواهر من و تو، دختر من و تو و ناموس من و تو از این مصیبت ها در امان باشند!! ورنه
به سر نوشتی دچار خواهیم شد که تصور و خیالش هم گران می آید!!!!!!! هموطن به خود آی!!!

آزاد ل